گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر میرلوحی تحلیلگری که ۲۱ سال در آمریکا زندگی کرده است

داعش و منافقین هر دو محصول یک ایده هستند

علی خوشبخت: دکتر سیدهاشم میرلوحی ۲۱ سال در آمریکا زندگی کرده و با وضعیت فرهنگی- سیاسی این کشور به‌خوبی آشناست، به همین دلیل چندین کتاب درباره دموکراسی و حقوق بشر آمریکایی تألیف کرده که از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های «یوسرائیل و صهیوناکراسی: ایالات متحده اسرائیل و سلطه صهیونیسم بر مردم» و «آمریکا بدون نقاب» اشاره کرد. او که چند کتاب دیگر از جمله «گشت ارشاد در آمریکا» را زیر چاپ دارد، پدیده «داعش» را مولود سیاست‌های تروریستی آمریکا و صهیونیسم می‌داند و تأکید می‌کند: «سردمداران آمریکا معتقدند برای رسیدن به اهداف مطلوب در حال حاضر نیازی نیست به صورت مستقیم ورود کرد بلکه از طریق راه‌اندازی تشکیلات تروریستی در سراسر دنیا می‌توان به آن هدف‌ها دست یافت».

***

■ **چرا آمریکا و صهیونیست‌ها از داعش حمایت می‌کنند؟**

همه این حمایت‌ها به قضیه genocidal zionist jews plan بازمی‌گردد؛ طرح نسل‌کشی افراد غیریهود برای سلطه یهود بر تمام دنیا. این قضایا باید اتفاق بیفتد که تحقق آن چند مرحله دارد: ابتدا مسلمانان را به جان یکدیگر می‌اندازند، بعد مسیحیان به جان مسلمانان می‌افتند، بعد مسیحیان را به جان روس‌ها می‌اندازند، بعد مسیحیان را به جان orientals (چشم‌بادامی‌ها) می‌اندازند تا آخر سر یک تعداد مسیحی بمانند تا جهود بر آنها حکومت کند. آنها به مسیحیان می‌گویند اگر منتظر ظهور حضرت مسیح هستید باید ۲ کار انجام دهید؛ اول به ما کمک کنید اسرائیل بزرگ‌تری داشته باشیم، دوم اینکه اگر حضرت مسیح تاکنون ظهور نکرده، به دلیل وجود ضدمسیح‌هاست. این ضدمسیح‌ها چه کسانی هستند؟ اول مسلمان‌ها هستند، دوم روس‌ها، سپس اورینتال‌ها!

■ **چگونه در غرب به ظاهر مدرن هم افراد جذب داعش می‌شوند؟**

اولاً بین داعش و سازمان تروریستی منافقین می‌توانیم وجه تشابه زیادی بیابیم. الان در داعش صحبت از جهاد نکاح است اما همین صحبت زمان طاغوت و بعد از آن هم در منافقین به نحوی مطرح بود و چه بسیار دخترانی که به واسطه مرحوم لاهوتی جذب شدند و پس از مدتی، در خانه‌های تیمی به ابزار جنسی تبدیل شدند. در شکنجه و کشتار هم رویه مشابهی داشتند، مثلاً سر سفره افطار یک خانواده را به رگبار می‌بستند یا افراد پاک، زاهد و خدمتگزاری نظیر آیت‌الله دستغیب را به شهادت رساندند. این سازمان فعالیت گسترده‌ای در آمریکا دارد، البته همان زمان هم داشت اما پس از تسخیر لانه جاسوسی که مرزبندی‌ها مشخص شد، دست آنها و ماهیت واقعی آنها رو شد. اکنون در آمریکا شبکه تلویزیونی دارند و با مقامات آمریکایی در رفت و آمد هستند، چون آمریکا از طریق آنها می‌تواند ضرباتی را به جمهوری اسلامی وارد کند. حتی افراد مثبت و مسلمانان موجهی که در آمریکا هستند، توسط منافقین شناسایی می‌شوند و به سازمان‌های امنیتی آمریکا معرفی می‌شوند و برای آنها مشکلات عدیده‌ای پدید می‌آید. نظیر افراد این سازمان، افراد و تروریست‌های دیگری هم در آمریکا وجود دارند که در قضیه سوریه آشکار شدند و به اسم داعش اعلام موجودیت کردند.

آمریکا این افراد را به هر طریقی شده جذب می‌کند، برخی را با پول، برخی را با فریب و برخی را با زور و اجبار. اکنون می‌گویند نیازی نیست مستقیم برای رسیدن به اهدافمان ورود کنیم، بلکه از طریق راه‌اندازی تشکیلات تروریستی در سراسر دنیا به اهداف‌مان می‌رسیم. وقتی «جان پرکینز» (نویسنده کتاب «اعترافات یک جنایتکار اقتصادی» در سال ۲۰۰۴) از این موضوع صحبت می‌کند، می‌گوید: ما Jackals (شغال‌ها یا همان تروریست‌ها) را در عراق داریم که سالی ۳۰۰ هزار دلار حقوق دریافت می‌کنند! چون کار آمریکا را راه می‌اندازند. حال یک زمان این کار از طریق مسعود رجوی انجام می‌شود، یک زمان از طریق ابوبکر البغدادی.

وقتی به متون آمریکایی مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم برخی از آنها در ایالت‌های غربی آمریکا نظیر «آریزونا» حضور داشتند و مانند آتش زیر خاکستر بودند و آمریکا آنها را زیر نظر داشته است، بعد دیدند می‌توانند از این افراد بهره ببرند، برای همین به نقاط مختلف اعزام شدند. ضمن اینکه می‌توانند در باورهای دینی افراد تغییراتی را که بخواهند ایجاد کنند چون آنها مانند شیعه افراد بیدار و مراجع تقلید ندارند، بنابراین خیلی ساده‌تر تغییر عقیده می‌دهند. چون آمریکا با بکارگیری افراد فاسد وهابی هر طور که می‌خواهد اسلام را عرضه می‌کند. جالب اینکه کاخ سفید هر سال ضیافت افطار دارد و در آن همین افراد فاسد و به ظاهر مسلمان دعوت می‌شوند و سیاست‌ها به آنها ابلاغ می‌شود.

آمریکا به فکر این نیست که فلان شخص یا فلان گروه تروریست است یا مواضع آن از منظر علمای اسلامی دچار انحراف است، او فقط به این فکر می‌کند که باید به اهداف خود برسد و صد البته صهیونیسم را راضی نگه دارد، به همین دلیل یک زمان منافقین را به کار می‌گیرد، یک زمان داعش را.

■ **جامعه آمریکایی هم مثل دولت آمریکاست؟**

درباره جامعه آمریکایی نمی‌توانیم نظری را به‌طور مطلق بگوییم. همانطور که نمی‌توانیم آمریکا را یک جامعه مذهبی بخوانیم. به‌عنوان مثال، دولت آمریکا در سال ۲۰۱۳ آماری منتشر کرده مبنی بر اینکه ۴۵ درصد متولدان آن سال نامشروع هستند! سالانه بیش از یک‌میلیون سقط جنین- به دلیل تجاوز یا نزدیکی با محارم- در آمریکا صورت می‌گیرد. آیا باید این جامعه را مذهبی بخوانیم؟ مطمئنا اینگونه نیست.

البته امکان دارد به بعضی روستاهای آمریکا بروید و یک خانواده کاملاً مذهبی بیابید. در دهه ۸۰ و اواسط دهه ۹۰ کشیش‌هایی را می‌شناختم که به جوانان آمریکایی می‌گفتند با کسی همبستر نشوید تا با او ازدواج کنید اما در شهرهای بزرگ فساد بیشتری می‌بینید و مواضع سیاسی و اعتقادات مذهبی متفاوت می‌شود. ضمن اینکه اتمسفر اجتماعی هر شهر یا ایالت با شهر یا ایالت دیگر متفاوت است. به‌عنوان نمونه، ما وقتی در لس‌آنجلس ایالت کالیفرنیا برای روز قدس راهپیمایی می‌کردیم، مورد هجوم پلیس واقع می‌شدیم؛ عده‌ای دستگیر و حتی دیپورت می‌شدند. سال به سال از تعداد راهپیمایان کاسته می‌شد و این موضوع تنها مختص ایرانیان نبود؛ عرب‌ها و مسلمانان آفریقایی را هم دربرمی‌گرفت. بعدها تصمیم گرفتیم این راهپیمایی را به سانفرانسیسکو منتقل کنیم که در همان ایالت کالیفرنیا واقع است. سانفرانسیسکو فقط ۳۷۵ مایل آن‌طرف‌تر بود اما فضای کاملاً متفاوتی داشت؛ به راحتی جلوی کنسولگری اسرائیل شعار می‌دادیم و مشکلی هم نداشتیم.

عکس: ابراهیم حیدری/وطن‌امروز

منظور اینکه به‌طور مطلق نمی‌توانید بگویید فلان موضوع در همه جای آمریکا یکسان است چون رفتار مردم و قوانین هر ایالت متفاوت است. وسط آمریکا، یکسری آدم‌های فاشیست سفیدپوست هستند که پدر درمی‌آورند تا شما برای ورود به این کشور به مشکل بخورید اما ممکن است در فرودگاه‌های دیگر، هیچ مشکلی برای ورود نداشته باشید. هیچ چیز در آمریکا مطلق نیست، هر چیزی ممکن است. آنجا پول بدهید هر کاری بخواهید انجام می‌دهید، مثلا کاری کنید هیلاری کلینتون علیه مسیحیت و جهودها سخنرانی بکند به شرطی که هزینه‌اش را پرداخت کنید. این را هم بگوییم عموم آمریکایی‌ها چندان اهل مطالعه نیستند بلکه اکثرا به دنبال کسب پول، خوشگذرانی و ارضای غرایز و شهوات هستند و کمتر برای مطالعه سخنان جدی و مطالبات خود وقت می‌گذارند. مثلا زمانی که آمریکا بودم، به بهانه کشتار ناحق یک سیاهپوست توسط پلیس قصد تظاهرات داشتیم. به مرکز سیاهپوست‌ها رفتیم و دنبال محل تظاهرات می‌گشتیم، سیاهپوست‌ها به ما آدرس تظاهرات را می‌دادند ولی خودشان حضور پیدا نمی‌کردند! ما تظاهرات را برای آنها برگزار کرده بودیم اما از آنجا که آمریکا از آنها افرادی ساخته بود که دنبال موادمخدر، مشروبات الکلی و تلف کردن وقت‌شان بر سر چهارراه‌ها بودند، شرکت نمی‌کردند! ما از خودمان مایه می‌گذاشتیم و حتی مواقعی که اصلا مناسب نبود آنجا باشیم می‌رفتیم برای اینکه پیام ظلم‌ستیزی را به گوش آنها برسانیم چون امید داشتیم بعضی افراد بیدار شوند و اینچنین هم بود.

■ **آینده داعش را چطور می‌بینید؟**

چیزی که شاید بتوانم به آن استناد کنم «و مکروا و مکرالله...» است. شیطان نقشه می‌کشد، خداوند جل و علا هم نقشه می‌کشد و او بهترین نقشه‌کش‌هاست. آمریکا با حمایت از تروریست‌ها دارد گور خویش را با دست خود می‌کند، منتها تا به ثمر رسیدن این قضیه، خیلی‌ها هم شهید می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران در عرضه‌کردن اسلام ناب سمینارهای خوبی برگزار کرده اما کافی نیست. مردم باید بیدار شوند و بدانند تفاوت اسلام ناب با اسلام آمریکایی چیست. مردم نه‌تنها در ایران بلکه در کشورهای اسلامی و تمام دنیا باید با «طرح نسل‌کشی افراد غیریهود برای سلطه صهیونیسم بر تمام دنیا» آشنا شوند.

جمهوری اسلامی نه‌تنها وظیفه دارد مسلمانان ایران و منطقه را نجات دهد بلکه وظیفه دارد افراد دنیا و آمریکایی‌ها را از چنگال شیاطین و فاسدان نجات دهد. امیدوارم خداوند کمک کند و قضایای داعش و امثالهم به نحوی حل شود اما با این شیطنتی که آمریکا می‌کند، فکر می‌کنم خونریزی‌های زیادی صورت گیرد.

■ **یعنی معتقدید چاقو ممکن است دسته خودش را ببرد؟ یعنی ممکن است داعش علیه خود آمریکا به یک ماشین کشتار تبدیل شود؟**

نه، به هیچ وجه! چون قضیه ۱۱ سپتامبر هم کار خودشان بود، اینطور نبود که یک عده غارنشین و کپرنشین بروند و ساختمان‌های دوقلو را نابود کنند ولی اگر به طور اتفاقی افرادی از خود آمریکا قربانی شوند یا یک سناریویی بچینند و مهره‌های خودی را هم فدا کنند، باز سعی می‌کنند تمام این جریانات را به سود خودشان تبلیغ کنند و آن را علیه اسلام به کار گیرند چون خیلی از مسیحیان هستند که دوست دارند درباره اسلام حقیقی بدانند اما نمی‌گذارند. به خاطر دارم وقتی آمریکا بودم برخی مسیحیان به من می‌گفتند ما خیلی پرسش‌ها درباره مسیحیت داریم اما به ما گفته شده سوال نکنید! ان‌شاالله اگر اسلام ناب و باورهای شیعه عرضه شود، خیلی از افراد که مسیحیت برای‌شان سوال است، اگر اسلام هم نیاورند لااقل یک دید خوبی راجع به اسلام خواهند داشت. چون مسیحیت و یهود را خود مسیحی‌ها و یهودی‌ها در غرب تدریس می‌کنند اما اسلام، یا تدریس نمی‌شود یا اگر در برخی دانشگاه‌ها هم تدریس شود، یهودی‌ها آن را درس می‌دهند و هرطور که دوست دارند ارائه می‌دهند! لااقل می‌توانیم به کمک اینترنت و رسانه‌های نوین اسلام را به صورت مختصر اما صحیح معرفی کنیم.

■ **عملکرد رسانه‌های ما را درباره قضیه داعش چطور می‌بینید؟ به بیان دیگر آنها به دنبال ایجاد رعب و وحشت هستند و ما ناخواسته یا ناگزیر، به این هدف آنها کمک می‌کنیم و اخبار داعش را پوشش می‌دهیم اما از سوی دیگر شگردهای تبلیغاتمان آنقدر قوی نیست که اسلام ناب را ترویج کنیم. آیا موافقید؟**

متأسفانه همین‌طور است یعنی ما در برابر تبلیغات گسترده‌ای که درباره داعش می‌شود نمی‌توانیم سکوت کنیم اما دست‌کم درباره ماهیت اینها و مواضع آنها که مخالف اسلام است باید صحبت کنیم. چون اگر نگوییم به این دلیل که تبلیغ داعش نشود، این غلط است. همزمان که درباره جنایات داعش خبررسانی می‌کنیم، باید درباره ماهیت و افکار انحرافی آنها هم اطلاع‌رسانی کنیم. وقتی درباره «ممانعت امیرالمؤمنین از درآوردن خلخال از پای زن یهودی» اطلاع‌رسانی کنیم، آن وقت غیرمسلمانان می‌بینند که دین ما، دین رحمت و مغفرت است. جمهوری اسلامی غیر از برملاکردن ماهیت داعش، باید جنایات غرب را برملا کند چون خود مردم ایران هم اکثراً نسبت به ماهیت غرب بی‌اطلاع هستند. مثلاً آیا می‌دانیم بلژیک (مقر اصلی اتحادیه اروپایی) ۲۳ سال در کنگو جنایت کرده و لئوپولد دوم (دومین پادشاه بلژیک، متوفی ۱۹۰۹) مقادیر هنگفتی از دارایی این کشور آفریقایی را بلعیده است؟! آیا می‌دانیم بلژیک طی ۲۳ سال قتل، غارت و تجاوز باعث شد جمعیت کنگو ۱۰ میلیون نفر کم شود، در حالی که اگر یکهزارم این موضوع درباره یهودی‌ها رخ داده بود، الان همه دنیا این موضوع را می‌دانستند! خوب است خبرنگاران ایرانی وقتی از بروکسل گزارش می‌دهند، بگویند از کشوری با این پیشینه گزارش می‌کنیم تا مردم محو جمال و عظمت ساختمان‌های لوکس آن نشوند و گمان نکنند موقعیت کنونی غرب از راه مشروع حاصل شده است.

ما باید ماهیت منفی غرب را گوشزد کنیم، چون خود آنها این موضوع را مخفی می‌کنند، مثلا جالب است بدانید کتابی است به نام The Fact Book که سازمان سیا نوشته، در این کتاب کشورهایی که کشورهای دیگر را استعمار کرده‌اند، فهرست شده‌اند. درباره آمریکا می‌گوید این کشور تحت استعمار انگلیس بود و بعدها از استعمار انگلیس خارج شد اما هرگز نمی‌نویسد خود آمریکا چه کشورهایی را استثمار کرد و چه جنایاتی در قبال سیاهپوستان و سرخپوستان مرتکب شد! امیدوارم جمهوری اسلامی در قبال این قضایا و امثالهم روشنگری کند و مردم دنیا بیدار شوند.

یادداشت‌سیاسی

هاشمی از تحلیل سیاسی تا تحلیل روانشناسی!

امیرعلی جهاندار: امروز بسیاری معتقدند هاشمی را دیگر نباید از جنبه سیاست‌ورزی هاشمی تحلیل کرد بلکه هاشمی‌رفسنجانی نیاز به تحلیل روانشناسانه دارد، چرا که رفتارهای هاشمی بیش از آنکه خردورزی سیاسی داشته باشد ناشی از حس عصبیتی است که بدان مبتلا شده است. بررسی عصبانیت‌های موجود در هاشمی شاید دلیل اصلی فرافکنی‌های او را نیز مشخص کند، فرافکنی‌هایی که شاید برای یک یا ۲ ماه مردم را مشغول خود کند اما تاریخ مصرف آنها بسیار سریع به سر می‌آید. عصبانیت از اینکه بعد از چندین سال بالاخره پرونده پسرش در دادگاه بررسی شده و امروز محکوم به فساد اقتصادی است، فساد اقتصادی که ریشه در دولت پدر دارد؛ عصبانیت از وضع موجود، وضعی که هاشمی نماینده تام و تمام آن است. مسیری که هاشمی برای دولت ترسیم کرد تا با استفاده از آن ایران به توسعه‌یافتگی برسد؛ امروز بعد از ۲۰ ماه هنوز در ایستگاه مذاکرات متوقف مانده و در بازی برد - بردی که تعریف کرده بود، آمریکایی‌ها به هیچ وعده‌ای عمل نکردند و هر روز هم گستاخ‌تر از قبل می‌شوند و در این مدت قطار فعالیت‌های دیگر دولت اعم از اقتصادی و صنعتی و تجاری هم متوقف بوده است و دولت هاشمی هر روز درصدی از رای ۵۰/۰۷ درصدی خود را از دست می‌دهد. از سوی دیگر انتخابات در پیش است و هاشمی که «نماینده وضع موجود» است تمام تلاش خود را می‌کند که به عنوان مخالف وضع موجود صحبت کند و از این رهگذر پایگاه رأیی برای خود دست و پا کند. خب! اینها همه و دلایل بسیار دیگری باید در تحلیل روانشناسی این روزهای هاشمی که اخمش بیشتر از خنده‌های روزهای اول دولت یازدهم است، موثر و سندی باشد برای اینکه هاشمی به‌جای آنکه به موضوعات اصلی بپردازد؛ اینکه چرا دولت در این بن‌بست قرار گرفته یا اینکه پسرش در دادگاه، مفسد شناخته شده، به موضوعاتی می‌پردازد که نه‌تنها ارزش خبری ندارد بلکه مورد دغدغه هیچ قشری در جامعه‌نیست.

اما برای آنکه صحبت‌های اخیر هاشمی را در واحد علوم و تحقیقات - که دانشگاه آزاد درباره زمینش هنوز شاکی خصوصی دارد - بررسی کنیم نیز باید سراغ همین تحلیل روانشناسانه برویم؛ از این مدخل ورود که «دانشگاه آزاد ملک در اختیار آقای هاشمی است»!

هاشمی پیش‌تر در جلسه مورخ دوم تیر ۸۹، یک روز پس از اعتراض دانشجویان به وقف دانشگاه آزاد گفته بود: «ما وقتی می‌خواستیم این دانشگاه را تاسیس کنیم۶-۵ نفر بودیم که رفتیم به ثبت شرکت‌ها و اینجا را به ثبت رساندیم و از جهت قانونی و قانون ثبت شرکت‌ها، مالک محسوب می‌شویم و در صورت فوت ما فرزندان ما می‌توانند برای تصاحب دانشگاه اقدام کنند. ما طبق قانون ثبت شرکت‌ها مالک هستیم و می‌توانیم این مال را وقف کنیم و اگر وقف را باطل کنند ممکن است فرزندان ما نسبت به مالکیت دانشگاه اقامه دعوا کنند».

هاشمی‌رفسنجانی از آن جهت که دانشگاه آزاد را جزو اموال در اختیار می‌داند، نمی‌تواند هیچ‌گونه نظارتی را بر دانشگاه آزاد تحمل کند و از همین نظرگاه بود که تلاش داشت در سال ۸۹ وقف اموال دانشگاه آزاد را از طریق مجلس به تصویب برساند که این تصرف را دائمی کند؛ اگرچه دانشگاه آزاد با هزینه دولتی و زمین‌های آن توسعه یافت. هاشمی در بازدید خود از واحد علوم و تحقیقات این مساله را با ارجاع به شورایعالی انقلاب فرهنگی بیان کرد و گفت: «امیدوارم شورای عالی انقلاب فرهنگی که مرجعی برای خیلی از مسائل دانشگاه‌ها و رفع مشکل مراکز علمی است، مانع دخالت افراد در کارهای دانشگاه شود، شورایعالی انقلاب فرهنگی باید در امور دانشگاه نظارت داشته باشد ولی دخالت اینگونه نباشد که ما برای تعیین یک رئیس دانشگاه زمان بسیاری را در راهروهای شورا منتظر باشیم». هاشمی از اینکه کسانی که در دانشگاه آزاد درس خوانده‌اند، حالا به این دانشگاه انتقاداتی را وارد می‌کنند ناراحت است. آیت‌الله از اینکه گزارش تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد در مجلس است ناراحت است. اگرچه گزارش تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد در مجلس مسکوت مانده است اما همین که یک سند بالادستی برای روشن شدن اتهامات این دانشگاه وجود دارد، خودش نوعی «مزاحمت» برای مسؤولان دانشگاه است. در گزارش تحقیق و تفحص از دانشگاه آزاد اسناد مهمی در رابطه با فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی این دانشگاه و خرج‌های کلان برای فعالیت‌های جناحی از جیب دانشجویان و شهریه آنان وجود دارد که با تلاش و لابی‌های گسترده در مجلس مسکوت مانده است.

هاشمی ناراحت است که چرا مجلس در افزایش بدون ضابطه و غیرقانونی کد رشته‌های این دانشگاه ایراد می‌گیرد یا چرا جامعه به بخشنامه‌های عجیب و غریب دانشگاه آزاد ایراد می‌گیرد و چرا «چرا»های دیگری درباره دانشگاه آزاد مطرح می‌شود؛ حال آنکه در تفکر هاشمی و امثالهم دانشگاه آزاد جزو اموال در اختیار به حساب می‌آید که نباید کسی به خود اجازه دهد درباره آنها اظهارنظر کند. به همین واسطه هاشمی در این سخنرانی می‌گوید: «کسانی که از دور در دانشگاه آزاد دخالت می‌کنند دست‌شان را بردارند و بگذارند رؤسا کارهای خودشان را انجام دهند». البته نکته جالب توجه ادامه سخنرانی است که هاشمی از آزاد نبودن دانشگاه آزاد سخن به میان می‌آورد و می‌گوید: «این دانشگاه ظاهرا غیردولتی و آزادتر از دانشگاه‌های دولتی است ولی مشکلاتی که برای این دانشگاه ایجاد می‌شود از مشکلات دانشگاه‌های دیگر کمتر نیست». اگرچه امروز همه می‌دانند که امنیتی‌ترین فضای دانشگاهی کشور در دانشگاه آزاد با تفکر هاشمی و جاسبی شکل گرفت که در آن هیچ تشکل دانشگاهی منتقدی اجازه فعالیت نداشت و حیات سیاسی در آن دانشگاه مرده بود البته تشکل‌های رئیس‌ساخته که مدح رئیس را بکنند در این دانشگاه کم نبوده، چنانکه یادم هست چند مدت پیش امیرمحمد مسجدی، دبیر سیاسی سابق اتحادیه تشکل دانشجویی دانشگاه آزاد با انتقاد از روندی که اداره کل سیاسی تشکل‌های دانشجویی دانشگاه درباره تشکل‌های دانشجویی درپیش گرفته است، گفت: «تبدیل فرآیند انتخاب توسط دانشجویان به انتصاب توسط مسؤولان دانشگاهی امری ناصواب است که کوچک‌ترین قرابتی با اهداف جنبش دانشجویی ندارد».

هرچند امروز همه می‌دانند تفکر تکنوکراتیک هاشمی و یارانش و منطق دانشگاه آزادی، منطق سرمایه‌داری و افزایش درآمد است اما هاشمی اداره دانشگاه آزاد به شیوه مالوف را به‌واسطه نیاز مبرم به علم‌اندوزی عنوان می‌کند.

هاشمی البته در پاسخ به یکی از انتقادهای منتقدان، تلاش نکرد بر واقعیت سرپوش بگذارد و گفت: «برخی می‌گویند کارخانه بیکارسازی درست می‌کنید در حالی که اگر این افراد تحصیل هم نکنند بیکار می‌مانند» شاید ترجمه کوچه و خیابانی این اظهارنظر آیت‌الله این باشد که «ما پول خودمان را می‌گیریم، بقیه‌اش به ما مربوط نیست».

علیرضا زاکانی درباره بی‌توجهی به توسعه بی‌ضابطه در دانشگاه آزاد می‌گوید: «بعضی از واحدهای دانشگاه آزاد، در نسبت هیأت علمی به دانشجویان یک به ۱۸۰ است، بعضی از واحدها از نظر آزمایشگاهی پول کلانی بابت آزمایشگاه از مردم می‌گیرند اما کمترین امکانی در اختیار دانشجو نمی‌گذارند، برخی از واحدها هم برخلاف قانون قبل از آنکه رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد داشته باشند، رشته دکترا تأسیس کرده‌اند. سال ۷۳ برنامه ۵ ساله‌ای جاسبی تنظیم کرد و خدمت رهبری برد. ایشان خیلی تجلیل کردند از اینکه در برنامه ۵ ساله دوم دانشگاه آزاد، گستره کمی دیده نشده است ولی ظرف ۴ سال ۴۰ واحد جدید تأسیس شد، رهبری دوباره سال ۷۶ تذکر جدی درباره توسعه بی‌رویه دانشگاه آزاد دادند، سال ۸۰ هم همین‌طور ولی دانشگاه آزاد ۱۴۰ واحد دیگر راه‌اندازی کرد».

هاشمی در حالی همچنان از توسعه دانشگاه آزاد سخن به میان می‌آورد و کلنگ ساختمان جدیدی را در واحد علوم و تحقیقات به زمین زد که این واحد هم‌اکنون مصداق کوه‌خواری می‌شود که رهبر انقلاب چندی پیش مطرح کرده بود و معاونت سازمان محیط‌زیست هم چندی پیش از دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات به‌عنوان مصداق کوه‌خواری یاد کرده بود و گفته بود: «باید دید چه کسی برای ساخت دانشگاه‌ها مجوز داده است چرا دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات در میان کوه پونک ساخته شده است؟ باید بگویم ساخت دانشگاه‌ها در دل کوه، کوه‌خواری است و باید پشت پرده زمین‌خواری و کوه‌خواری‌ها مشخص شود. قوانین در بحث کوه‌خواری ضعیف است بنابراین باید در این باره فکری اندیشید و دست‌های مافیای پشت‌پرده زمین‌خواری را مشخص و از ریشه دست این سودجویان را قطع کنیم».

واگذاری ۳۱۶۲ هکتار از اراضی منابع ملی و حدود ۱۵ میلیون متر مربع از اراضی شهری در سراسر کشور به دانشگاه آزاد اسلامی با اقل بهای ممکن و عمدتاً رایگان از کانال دولت بوده است. محسن هاشمی‌رفسنجانی، معاون عمرانی دانشگاه آزاد با اشاره به مشکلات حقوقی این دانشگاه گفته بود: «یکی از عمده‌ترین این مشکلات فاقد سند بودن نیمی از اراضی دانشگاه است که باید برنامه ویژه‌ای برای تعیین تکلیف این اراضی انجام شود».

اما هاشمی حاضر نیست نظارتی را بر دانشگاه آزاد بپذیرد و می‌خواهد آزادی کامل در اداره دانشگاه آزاد برقرار باشد و کسی در امور آن دخالت نکند. هاشمی می‌گوید: «دانشگاه آزاد رو به رشد و خودکفاست ولی مزاحمت برایش ایجاد نکنند».

ناراحتی‌های این روزهای هاشمی زیاد شده و همین باعث شده عصبیت بر هاشمی غلبه داشته باشد و حرف‌هایی بزند که بیشتر او را از باب طعنه و کنایه سوژه رسانه‌ها کند تا اینکه به او به‌عنوان یک شخصیت موثر سیاسی نگاه شود اما هاشمی خود نیز می‌داند که این حرف‌ها هم تاریخ مصرفی دارد و بزودی باید پاسخگوی عملکرد دوستان و همفکران خود در دولت باشد.

جیبوتی هم؟!

نگاه امروز ادامه از صفحه اول

اصلی‌ترین علت اخراج این دانشجویان، تحصیل آنها در رشته‌های فیزیک هسته‌ای و فناوری‌های نوین مرتبط نظیر الکترونیک، متالوژی و مکانیک اعلام شد.

علاوه بر این، دانشجویان یادشده در اقدامی سیاسی و غیرقانونی و بدون مستندات، به تلاش برای دستیابی به اطلاعات مرتبط با توسعه و بهینه‌سازی سلاح‌های کشتارجمعی و پیشبرد برنامه هسته‌ای ایران متهم شدند!

وزارت امور خارجه نیز ترجیح داد این موضوع در سکوت خبری به گذر زمان سپرده شود و در گرماگرم مذاکرات ۱+۵ چنین مصادیق حاشیه‌ای بر آن سایه نیندازد.

بهانه‌گیری ماموران گمرک و پلیس ترکمنستان در برخورد با رانندگان تریلی و مسافران ایرانی و دریافت مبالغ بالا و بدون ضابطه برای تردد آنان در مرز هودان ترکمنستان، لغو صدور ویزای آنی کشورهای مالزی و عمان برای شهروندان ایرانی (پس از سفر سلطان قابوس به تهران!)، سختگیری شدید کشورهای گرجستان، اندونزی و مصر در ماه‌های اخیر برای دادن ویزا به ایرانیان و برخوردهای نامناسب با مسافران ایرانی در فرودگاه‌های قطر، امارات و بویژه کانادا نیز از جمله مصادیق بازگرداندن احترام و عزت گذرنامه ایرانی مدنظر رئیس‌جمهور است.

دی‌ماه ۹۳ موسسه بین‌المللی «هنلی و شرکا» در گزارشی به بررسی رده‌بندی اعتبار گذرنامه‌های ۱۷۴ کشور جهان پرداخت.

براساس این رده‌بندی در حال حاضر، با گذرنامه ایران می‌توان به ۴۰ کشور جهان وارد شد که نشان می‌دهد از سال ۲۰۱۳ تاکنون تغییری در وضع اعتباری گذرنامه کشورمان ایجاد نشده است.

براساس گزارش سال ۲۰۱۳ موسسه هنلی و شرکا، کشورهایی که ایرانیان می‌توانند بدون روادید (ویزا) به آنها سفر کنند، ۴۰ کشور است و از این نظر، ایران در رتبه‌بندی ۲۰۱۳، در رده ۸۶ بود.

روحانی پیام انتخابات ۱۳۹۲ را «سیاست خارجی پویا و فعال با جهان» نامید که البته همراه با احترام، منافع و حفظ حقوق متقابل است.

به‌رغم تعامل گسترده دولت یازدهم با کشورهای غربی، سیاست‌های خصمانه آنها در قبال جمهوری اسلامی در ۲ سال دولت یازدهم نه‌تنها کاهش نیافته بلکه در مقاطعی نیز تشدید شده است.

■ **پاسداشت عزت گذرنامه ایرانی: این بار در جیبوتی!**

ماجرای کشتی امدادرسان شاهد و ندادن ویزا به مسافران این کشتی برای بازگشت هوایی به کشور آخرین مصداق پاسداشت عزت گذرنامه ایرانی است.

جیبوتی کشوری در شاخ آفریقا و از مستعمرات فرانسه بوده که در اصل «سومالی‌لند» فرانسه نامیده می‌شد و سال ۱۹۷۷ از فرانسه اعلام استقلال کرد.

جیبوتی یکی از پایگاه‌های مهم فعالیت نظامی - اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل است و رژیم مجعول صهیونیستی بعد از جنگ دوم خلیج‌فارس در سال ۱۹۹۱ به دلیل اشراف این کشور بر تنگه باب‌المندب در جیبوتی حضور چشمگیر دارد.

در توافقنامه امنیتی - دفاعی که سال ۲۰۱۰ بین اسرائیل و جیبوتی با مشارکت و نظارت آمریکا امضا شده اسرائیل اجازه استقرار نیروی دریایی و افزایش حضور نظامی را در این کشور یافت.

کشتی «ایران شاهد» ماموریت خود را ۲۱ اردیبهشت‌ماه آغاز کرده بود تا کمک‌های ایرانیان را به بندر حدیده یمن برساند اما نزدیک آب‌های یمن بود که مجبور شد برای بازرسی مسیر خود را به سمت جیبوتی تغییر دهد، با این حال قرار بود پس از تحویل بار کشتی به سازمان برنامه جهانی غذا، ۴۰ خبرنگار و فعال جنگی که در آن کشتی حضور دارند با هواپیما به تهران بازگردند اما اجازه این کار هم داده نشد.

جیبوتی از دادن ویزا به سرنشینان کشتی ایرانی و حتی کارکنان آن هم که پاسپورت دریایی دارند، خودداری می‌کند و علت این ممانعت را «خاص بودن کشتی ایرانی» اعلام می‌کند!

این در حالی است که کشور جیبوتی پس از پهلوگیری کشتی امدادرسان ایرانی که بعد از ۲ روز معطلی صورت گرفت، اجازه فرود هواپیمای حامل کمک‌های ایران به یمن، در جیبوتی را هم نداد.

گویا دولت تدبیر و امید، مصلحت را در این می‌بیند که همچنان تمام نیروی خود را مصروف مذاکرات مبهم هسته‌ای کند و همچنان دیگر وعده‌های رئیس‌جمهور محترم مانند احیای عزت و احترام گذرنامه ایرانی در اولویت‌های آخر بماند.

با هبه اموال خود برای پرداخت قرض الحسنه تا ابد از ثواب این صدقه جاریه بهره مند شوید.
شماره ثبت ۲۲۴۸۴
شناسه ملی ۱۰۳۲۰۹۰۳۶۹۷
بنیاد خیریه غدیر در نظر دارد با انجام امور خیریه و پرداخت قرض الحسنه به تعظیم شعائر غدیر و نشر اندیشه و فرهنگ ولایت بپردازد.
تبرعات مؤمنین برای همیشه در خدمت اینگونه امور ارزشمند باقی خواهد ماند چرا که تنها به صورت وام در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار میگیرد.
با کمک به بنیاد خیریه غدیر اموال خود را در نشر فرهنگ ولایت و غدیر جاودان کنید.
اعضاء هیأت امناء
- حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی فرد
- حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی میرلوحی
- سید مرتضی نبوی
- حجت الاسلام و المسلمین کاظم صدیقی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن رحیمیان
- حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان
- رضا مطلبی کاشانی
سامانه ارتباط پیامکی: ۱۰۰۰۰۰۱۸
نشانی تارنما: GHADEER.IR
تلفن: ۸۸۹۹۱۸۰۳ نمابر: ۸۸۹۹۱۸۰۲
شماره حساب: ۰۱۰۴۱۷۰۴۱۷۰۰۷
شماره کارت: ۶۰۳۷۹۹۱۱۹۹۵۳۹۲۰۰

زندگینامهٔ سردار شهید ناصر جمال باقفی
ناصرِ حسین
فائضه غفار حدادی
روایت پیشگامان پیشرفت موشکی ایران (۱)
جنگ که تمام می‌شود خدا نردبان شهادت را هم می‌کشد سمت آسمان. آنقدر بالا که دست هرکسی به آن نرسد. بالا رفتن آنقدر سخت می‌شود که مردم نردبان را فراموش می‌کنند و مشغول زمین می‌شوند. کم‌کم کوتاهی مُد روز می‌شود و بلندی عیب بزرگ. در این زمانه است که شهادت می‌شود هنر مردان بزرگ. مردانی که آنقدر بلندِ بلندِ بلند شده‌اند که آسمان دنیا برایشان کوتاه شده است. دستشان را به نردبان گرفته‌اند و از میان ما رفته‌اند...
قیمت کتاب: ۳۷۰۰ تومان | نشانی مرکز پخش: تهران - بلوار کشاورز - خیابان ۱۶ آذر - نبش کوچهٔ شهید طاهری - پلاک ۶۲ - واحد ۶ | تلفن: ۸۸۹۹۶۴۳۲ | نمابر: ۸۸۹۹۶۴۳۱ | خرید اینترنتی و پستی: www.tapbook.ir
انتشارات شهید کاظمی اندیشه

متن تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب
سفر به قله‌ها
سفر به قله‌ها
پنج گزارش جنگی
هدایت‌الله بهبودی
مرتضی سرهنگی
سیدیاسر هشترودی
بابانظر
متن گفتار رهبر معظم انقلاب درباره کتاب
بابانظر
بابانظر که یک جوان کم سوادی بوده رفته جنگ، فرماندهی کرده و سا لها در جنگ بوده و بعد هم جانباز شده و شهید شده است، شرح حال را خودش گفته؛ این یک کتاب شد. یک داستان مفصل شد.
۲۶ مهر ۱۳۸۸
تهران/ خیابان حافظ/ خیابا رشت/ پلاک ۲۳
روابط‌عمومی انتشارات سوره مهر
صندوق پستی: ۱۱۴۴-۱۵۸۱۵
تلفن: ۱۵-۶۶۴۷۷۰۱۴-۰۲۱
فکس: ۶۶۴۰۴۶۶۳-۰۲۱
WWW.SOOREMEHR.IR
سوره مهر
ناشر آثار هنر و ادبیات انقلاب اسلامی

شما می توانید برای رفتگان و گذشتگان خود کتاب خیرات کنید
خیرات کتاب
خیراتی ماندگار
ما با شبکه گسترده توزیع در مدارس، مساجد، حوزه های علمیه دانشگاه ها، بهشت زهرا(س) و... اینکار را بنحو احسن برای شما و بنام متوفی انجام خواهیم داد
کافی است با ما تماس بگیرید
www.kheyrateketab.com
تهران، میدان شهدا، خ پیروزی، خ شکوفه
خ شهید درودیان، نبش کوچه شهید برهمن، پلاک ۱ انتشارات یاران آفتاب
۳۳۳۳۷۲۲۶-۰۹۱۲۸۵۰۲۵۳۷
خیرات کتاب